



چرا صداوسیما اثری را مسکوت گذاشت که محافل جهانی صدای آن را شنیدند؟

«بشارت منجی»

محصول زیست جهان وطن طالب‌زاده

نمی‌خواستیم آنها را با فیلمم مسلمان کنم

فاطمه ترکاشوند

روزنامه‌نگار

داستانی درباره حضرت مسیح (ع) و هم به فرم فیلمی در این باره نمی‌توانست متأثر از تجربه‌های زیسته او در برخورد با مسیحیان آمریکایی نباشد. هر مؤلفی به طور طبیعی به سراغ موضوعاتی می‌رود که بیشتر آنها را می‌شناسد و در دغدغه‌هایش می‌کنجد اما مسأله شاید اینجا بود که مسیحی که او می‌خواست برای مخاطب جهانی با مسائل مسیحیان جهانی روایت کند، با دغدغه‌ها و مسائل انسان مسلمان ایرانی و روایت‌های پیش ساخته او در این باره، تا حدودی فاصله داشت. او به این موضوع در مصاحبه‌ای در سال ۱۸۲ این‌طور اشاره کرده بود: «با مسیحی‌ها بحث و گفت‌وگو دوستانه داشتم و برخی اسناد را آنها در اختیارم گذاشتند. البته زمانی که فیلم را می‌ساختیم، ارتباط لازم نبود؛ چون می‌خواستیم از روایات اسلامی استفاده کنیم و بعد از اینکه فیلم آماده شد، باید با آنها گفت‌وگو کنیم. شاید مهم‌ترین کاری که این فیلم انجام می‌دهد، ایجاد محیطی برای بحث و تبادل نظر و گفت‌وگوی ادیان یا به عبارت صحیح‌تر، گفت‌وگوی عقاید و مذاهب است. بحث و مناظره علمی بین ما و آنها، یکی از مباحث ضروری است که با زبان فیلم بیان می‌شود تا محیط برای بحث مساعد شود.» از این رو فرم فیلم، گونه‌ای جنس شاعرانه به خود گرفته بود. با دیالوگ‌های سنگین که فاصله ادبیات آنها از فارسی معیار احتمالاً چیزی معادل فاصله زبان انجیل با انگلیسی روز می‌شد. فضای نرم و روح آرام و ریتم کند مسلط بر فیلم هم هرچند از نگاه کارگردان می‌توانست اقتضای روایت داستانی درباره حضرت مسیح برای جهانیان باشد اما در مجموع فیلم را تا حدی برای مخاطب کسل‌کننده

می‌کرد و میان او با اثر فاصله می‌انداخت.

خوانش متفاوتی از «برنابا» که جدی گرفته نشد

اما همه ماجرا تنها همین‌ها نبود. طالب‌زاده، خوانش ویژه‌ای از انجیل برنابا ارائه داده بود و همین هم می‌توانست علت برخی مواضع‌های سخت باشد. مرتضی ضرابی، چهره‌پرداز و بازیگر نقش «یهودا»ی فیلم «بشارت منجی» بعدها این‌مسأله را این‌طور نقل کرد: «آقای طالب‌زاده با اعتقاد بالای خود پروژه «بشارت منجی» را آغاز کرد و برای روایت داستان این فیلم، از قرآن و بخشی از روایت‌های انجیل برنابا استفاده کرده بود چرا که حکایت‌های این انجیل بسیار نزدیک به روایت‌های قرآنی بود، مسأله‌ای که وجود داشت «بشارت منجی» با بودجه بسیار اندکی توسط آقای طالب‌زاده آغاز شد و در نهایت با تمام تلاشی که انجام داد توانست این پروژه را به پایان رساند.» این بازیگر سپس تأکید کرد: «آقای طالب‌زاده برای ساخت «بشارت منجی» با مشکلاتی مواجه بود چرا که به دلیل برداشت‌های وی از انجیل برنابا سرصداهایی به وجود می‌آمد و همین مسأله باعث قلع و قمع و جور شدن این پروژه در هنگام نمایش بود و یک بخش‌هایی از این فیلم اصلاً اجازه پخش پیدا نکرد.»

طالب‌زاده یک سال پیش از پایان ساخت فیلم در سال ۱۳۸۳ درباره این خوانش ضمن نقل روایتی گفته بود: «از نکته‌های جالب این سریال، موعظه‌های حضرت مسیح است که خیلی از آنها را از انجیل برنابا استخراج کردم و بعضی معجزاتی در این کار است و مسیحی‌ها تا به حال نشنیده‌اند که بعضی از آیت‌الله‌های جواد می‌شنیده‌ام؛ مثل معجزه‌ای که

حضرت مسیح «لازاروس» را زنده می‌کند و بعد احبار یهود می‌گویند: این معجزه قبول نیست؛ چون او از اقوام خود مسیح است و آنها تبنی کرده‌اند و برایش غذا می‌رسانند و او نمرده بود و قبرش مقبره بوده و در آنجا آب و غذا بوده است و وقتی مسیح از بیرون او را صدا زده، او هم بیرون آمده است. اگر مسیح راست می‌گوید، باید مرده‌ای از هزارسال پیش زنده کند؛ مثلاً سام بن نوح، جد اعلا اعراب و یهود را زنده کند. مسیح، سام را زنده می‌کند که این در تاریخ مسیحی‌ها نیست. حضرت مسیح به او می‌گوید: مرا می‌شناسی؟ او می‌گوید: بله. می‌پرسد: چرا موها و ریش‌های سفید شده‌اند؛ تو که جوان از دنیا رفته‌ای؟ او می‌گوید: بله، ولی هنگامی که مرا صدا زدی، فکر کردم روز قیامت شده و از ترس موهایم سفید شد. مسیح می‌گوید: آیا دوست‌داری زنده بمانی؟ خدا این اجازه را به من داده است که تو بتوانی زنده بمانی؟ سام لحظه‌ای تأمل می‌کند و می‌گوید: نه، ترجیح می‌دهم بمیرم. می‌پرسد: چرا؟ می‌گوید:

طاعت لحظه اول قبر را ندارم. بعد حضرت مسیح می‌گوید: خداوند به تو سلام می‌رساند و می‌فرماید: بدون رنج به قبر برمی‌گردد و او به خواب می‌رود و جان می‌دهد. این را من از آیت‌الله جواد می‌شنیدم. یکی دیگر از نکات فیلم، عروج حضرت مسیح به آسمان است.

مصلوب کردن حضرت مسیح، ظهور دوباره و بشارت بازگشت ایشان، از نکات دیگر این فیلم است. این فیلم استراژی خاصی دارد و در واقع هم تاریخ را بیان می‌کند و هم آنچه را قرآن تبیین کرده است.»

فیلم صلح‌جوی طالب‌زاده در برابر رویکرد جنگجویانه گیبسون

اما به رغم رویکرد او در ساخت فیلمی صلح‌جو با هدف گفت‌وگو و ادیان و طرح حقایق تاریخی و دینی، هم‌زمان فیلم مل گیبسون هم در حال ساخت بود. فیلمی که زاویه دیدی سرسختانه‌تر و جنگ‌طلبانه‌تر را نسبت به یهودیان اتخاذ می‌کرد. طالب‌زاده در این باره گفت: «فیلم ما به طور موازی با فیلم مل گیبسون ساخته و پرداخته می‌شود. او اخیراً یک پیش‌پرده‌ای

از فیلمش را برای بعضی از علما و منتقدان نمایش داد که لابی صهیونیست‌ها بشدت اعتراض کردند و گفتند: تو می‌خواهی جنگ بین مسیحی‌ها و یهودی‌ها راه بیندازی. او گفت: من چنین قصدی ندارم و این فیلم را درباره مسیح ساختم. بودجه ساخت این فیلم، بودجه شخصی مل گیبسون است. وی ۳۰ میلیون دلار خرج کرده است. او کاتولیک و پدرش هم کاتولیک متعصبی است. یکی از انگیزه‌های ساخت فیلم، این بود که پدرش معتقد است: پاپ در چهار دهه پیش، یک بخششی نسبت به یهود کرد و آن این بود که گناه کشتن حضرت مسیح که به گردن یهود بود، این گناه را از دوش آنها برداشت و علت آن، این بود که در جنگ جهانی دوم او با هیتلرها همکاری کرده بود و یهودیان گفتند: ما از افشای این کار چشم‌پوشی می‌کنیم و شما هم این موضوع را نادیده بگیرید و ببخشید. پدر مل گیبسون، این کینه را به دل گرفت و پسرش را که در هالیوود است، تشویق کرد که این فیلم را با هزینه شخصی بسازد؛ فیلمی که از نگاه مسیحیت است و بشدت مورد اعتراض یهود قرار دارد.»

طالب‌زاده مخاطبش را

انتخاب می‌کرد و می‌شناخت

اما او باز هم صراحتاً تأکید می‌کرد که فیلم را برای مخاطب جهانی ساخته و انتظار دارد بر مسیحیان جهان اثر بگذارد. «من حدود ۹۰ درصد مخاطب خارج از کشور را در نظر داشتم و خیلی به فکر امریکایی‌ها بودم؛ امریکای شمالی، کانادا، امریکای جنوبی، مسیحی‌ها، امریکای میانه، اروپایی‌ها، کشورهای عرب و مسلمانان حاشیه روسیه. من سال‌ها با مسیحی‌ها در غرب زندگی کردم و این زبان را می‌شناسم. حرفه من، فیلم مستند است و مستند درباره همین مسائل است. آمادگی غرب برای تحول طبیعی است و در این راستا باید تلاش کرد. این فیلم، هیچ فرقی با کارهای قبلی من ندارد؛ این هم یک مستند دیگر است که مخاطب آن، فقط ایران نیست و ۹۰ درصد مخاطبان آن، خارج از ایران هستند. می‌خواستم برای آنهایی که سال‌ها در میان‌شان زندگی کردم و میهمان کشورهاشان بودم، خدمتی انجام دهم و بگویم که جهان اسلام در مورد مسیح معرفت دارد.»

طالب‌زاده مثل دیگر آثارش، مخاطب خود را درست انتخاب کرده و خوب شناخته بود. طبق انتظار او، فیلم در خارج از کشور و محافل مرتبط با مسیحیت دیده شد و در حد خود مورد توجه قرار گرفت. به گفته خود او «بشارت منجی» تنها کاری است که صداوسیما تولید کرده و ۳۰ تا ۴۰ مقاله درباره آن در امریکا نوشته شده است؛ اما هیچ‌وقت صداوسیما به این موضوع نپرداخت که یکی از آثار صداوسیما مورد توجه جوامع غربی قرار گرفته است!»



آقای طالب‌زاده با اعتقاد بالای خود

پروژه «بشارت منجی» را آغاز کرد و برای روایت داستان این فیلم، از قرآن و بخشی از روایت‌های انجیل برنابا استفاده کرده بود چرا که حکایت‌های این انجیل بسیار نزدیک به روایت‌های قرآنی بود، مسأله‌ای که وجود داشت «بشارت منجی» با بودجه بسیار اندکی توسط آقای طالب‌زاده آغاز شد و در نهایت با تمام تلاشی که انجام داد توانست این پروژه را به پایان رساند

باید دیوار را بشکنیم تا حقیقت را بگویم

او سینما را در این لایه، ابزاری برای گفت‌وگو با سایر ملت‌ها و ادیان می‌دید و می‌گفت: «حرف من این است که باید این دیوار را بشکنیم تا بتوانیم حرفی را که حقیقت دین است در غرب نمایش دهیم. البته این نکته هم قابل تأمل است که کارهای تاریخی و مذهبی خوبی چون سریال «یوسف پیامبر»، سریال «مریم مقدس» و «حضرت سلیمان» در منطقه سروصدای خوبی کرده و بسیار هم دیده شده است.» در عین حال گفت‌وگو را هم الزاماً مسیری برای مطیع کردن دیگران نمی‌دید و تنها توقع داشت از مسیر، دایره توافقی‌ها گسترش پیدا کند. «این فیلم قطعاً مؤثر خواهد بود. من نخواستیم آنها با این فیلم مسلمان شوند، بلکه می‌خواستیم آنها با این فیلم، تاریخ خود را بهتر بشناسند. خواستیم بگویم این موضوع حقیقت اسلامی‌اش این است و این کار در واقع یک کار ضد جهالت بود؛ چون خیلی از احبار و کشیشان از جهالت عامه، سوءاستفاده می‌کنند.» نادر طالب‌زاده در «بشارت منجی» همان نادر طالب‌زاده در پس مستندهایی است که هم در جست‌وجوی حقیقت هستند و هم در جست‌وجوی راهی برای اقناع مخاطب نسبت به این حقیقت.



برش